



گزارش‌ها از پیچیده‌تر شدن معادلات بازگشایی تنگه هرمز خبر می‌دهند

شروط تهران؛ دیپلماسی زدایی یا هرمز پیروزی؟!

نمی‌شد. پذیرش آمریکا تقریباً ناممکن است چرا که آن کشور را در موضع متجاوز قرار می‌دهد و به زبان سیاسی هم به شکست تعبیر می‌شود. در عین حال، پرداخت غرامت، تبعات حقوقی دیگری هم به‌عننوان آغاز گر جنگ و همچنین اقدامات غیر قانونی بین‌المللی دارد. دبیر شورای عالی امنیت ملی می‌گوید هرمز تا زمانی که آمریکا رفتار خود را اصلاح نکند باز نخواهد شد؛ موضوعی که در رسانه‌های بین‌المللی به‌عنوان نشانه‌ای از سخت‌تر شدن موضع تهران و افزایش فاصله‌میان دو طرف برای رسیدن به توافق تعبیر شده‌است. محمدباقر ذوالقدر، دبیر شورای عالی امنیت ملی، روز گذشته در پیامی اعلام کرد: «تا مریکار رفتارش را تصحیح نکند، تنگه هرمز باز نخواهد شد.» او تأکید کرد که شورای عالی امنیت ملی «هرگز کوتاه نخواهد آمد؛ چه در جنگ و چه در مذاکره». ذوالقدر سپس ۶مطالبه ایران را برای تغییر رفتار آمریکا بر شمرد: ۱- ایران را هرگز و با هیچ زبانی تهدید و به مقدسات این ملت توهین نکند. ۲- به جنگ و تجاوز علیه ایران و متحدان ایران در لبنان، فلسطین، یمن و عراق برای همیشه پایان دهد. ۳- محاصره دریایی را برسدارد و نیروهای نظامی (دریایی و هوایی) خود را از پیرامون ایران خارج کند. ۴- خسارت‌های دو جنگ تجاوز کارانه و تحمیلی به ایران را بی‌کم و کاست بپردازد...

سیاست ۲

در گفت‌وگوی «نوسعه ایرانی» با «فرشاد پرویزیان»، پژوهشگر اقتصاد، بررسی شد:

چرا اوراق نهمین حراج روی دست دولت ماند؟

چر تکه ۳

گفت و گو

تحلیل گر مسائل بین‌الملل:

آمریکا به دنبال خروج آبرومندانه از جنگ با ایران است

یک کارشناس مسائل بین‌الملل با اشاره به فشارهای نظامی و اقتصادی ناشی از تداوم جنگ، گفت: به‌نظر می‌رسد آمریکا به‌دنبال دستیابی به تفاهمی با ایران و خروج آبرومندانه از این درگیری است و بازگشایی تنگه هرمز می‌تواند یکی از مهم‌ترین مقدمات این روند باشد.

ر ضامیر طاهر تحلیل گر مسائل بین‌الملل در گفت‌و با ایونا، درباره مذاکرات ایران و عمان گفت: به‌نظر می‌آید بعد از تهدیدی که دونالد ترامپ کرده بود مبنی بر اینکه شنبه گذشته به ایران یک حمله بسیار گسترده می‌کند که بعد از اعلامی خوش بعد از جنگ جهانی دوم بی‌سابقه بوده و بعد اعلام کرد به دلیل تماس‌هایی که کشورهای منطقه، از جمله عربستان سعودی، با او گرفته‌اند، این حمله را لغو کرده بایه تعویق انداخته، مذاکرات ایران و عمان جدی‌تر شد. وی ادامه داد: عمان در این مذاکرات به نوعی نماینده امریکا محسوب می‌شود و مسلماً توافق با عمان که مستلزم بازگشایی تنگه هرمز خواهد بود، مسئله‌ای است که آمریکا هم به‌دنبال آن است. هم از آن استقبال خواهد کرد مبنی نمی‌دانم تا چه حد صحبت دار اما گفته می‌شود که دو طرف روی مسئله‌ای کاری می‌کنند که یک مسیر مشترک در تنگه هرمز باز شود یا اینکه از سمت ایران کشی ها وارد شوند و از سمت عمان خارج شوند. در مورد ماهیت آن در حال حاضر نمی‌شود صحبت کرد ولی به‌هر حال هر توافقی که بین ایران و عمان صورت‌بگیرد و موجب بازگشایی تنگه هرمز شود، برای آمریکایی‌ها نوبدبخش خواهد بود.

ترامپ به لاف‌زنی معروف است

این کارشناس مسائل بین‌الملل گفت: نکته‌ای که وجود دارد، فراموش نکنید دونالد ترامپ هرچند به لاف‌زنی معروف است و مدام بحث‌ناپود کردن چندباره ایران و زیرساخت‌هایشان را مطرح کرده است اما در حال حاضر همه با مسائل و مشکلات زیادی در عرصه‌های مختلف مواجه است. در عرصه نظامی، با توجه به افشای‌گری‌هایی که شبکه‌های آمریکایی، مخصوصاً س‌ا‌ی‌ان، انجام داده‌اند، مشخص شده بخش زیادی از موشک‌های رهگیر و همچنین موشک‌های آفندی آمریکا در جریان جنگ و درگیری با ایران مصرف شده و واقعاً اگر آمریکادعا می‌کرد که می‌خواهد یک حمله بی‌سابقه به ایران انجام دهد، سؤال این بود که در واکتش ایران چگونه می‌خواهد از تأسیسات آمریکایی و کشورهای منطقه دفاع کند. می‌تواند امری صریح رد: نکته دوم این است که تداوم وضعیت کنونی به‌هر حال تأثیرات منفی‌اش را بر اقتصاد آمریکا دارد، مخصوصاً مسئله گرانی بنزین و گازوئیل و به تبع آن سایر کالاها در آمریکا، یک فاکتور بسیار منفی برای جمهوری خواهان به‌طور عام و ترامپ به‌طور خاص محسوب می‌شود و همین مسئله برای پیروزی جمهوری خواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای نوامبر ۲۰۲۶ را به شدت کاهش داده است.

آمریکا ز اهداف حداکثری خود به بازگشایی تنگه هرمز ضایت داده است
وی ادامه داد: در کنار آن، وضعیت اقتصاد جهانی هم قابل ذکر است. فراموش نکنید که علاوه بر تنگه هرمز، الان به دلیل اجرای اصل محاصره در برابر محاصره از سوی یمن علیه عربستان سعودی در تنگه باب‌المندب هم مشکلات زیادی به‌وجود آمده و هم در تنگه هرمز هم در تنگه باب‌المندب رفت‌وآمد کشتی‌ها به شدت کاهش پیدا کرده. مجموعه این مسائل، به کنار فشار کشورهای منطقه، مخصوصاً کشورهایمانند قطر و عربستان و عمان، باعث می‌شود که آمریکایی‌ها به دنبال یک تفاهمی با ایران باشند و اینکه هر چه زودتر به صورت آبرومندانه‌ای از جنگ با ایران خارج شوند؛ کما اینکه من دیدم یکی از نشریات آمریکایی به ترامپ گفته بود شما اعلام پیروزی کن و پایان جنگ را اعلام کن و این به‌این معناست که آمریکا با وقار جلوتر شده که نه استراتژی مشخصی دارد، نه پایانی برای آن متصور است و این به نظر له‌زین‌های بسیار گرافال است.

این کارشناس مسائل بین‌الملل تصریح کرد: در حال حاضر به‌طور رسمی هر زینه‌های جنگ با ایران از ۴۰ میلیارد دلار فراتر رفته، در حالی که آمار غیررسمی و محاسباتی که صورت گرفته، حداقل هزینه ۱۰۰ میلیارد دلاری محاسبه شده و یکی از اقتصاددانان آمریکایی

هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم جنگ با ایران را حدود یک تریلیون دلار تخمین زد. برای

همین به‌نظر من برای ترامپ خبر خوشایندی خواهد بود که ایران و عمان به یک توافقی برسند

و تنگه هرمز بازگشایی شود. این نکته را هم نباید فراموش کرد که آمریکا از اهداف حداکثری

فرسایش زرادخانه آمریکادر جنگ ایران و چالش اعتبار بازدارندگی در مقابل رقبای

پنتاگون؛ و هزینه پنهان جنگ در چند جبهه

رافرازش دهد؛ زیرا بخشی از توان دفاعی لازم برای مقابله با حملات تلافی‌جویانه نیز مصرف شده‌است.

از همین منظر، هشدارهای ژنرال دن کین، رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا، اهمیت دارد. گزارش‌هایی گویند او پیش از جنگ درباره پیامدهای یک درگیری طولانی هشدار داده و اکنون نیز در جلسات خصوصی بر یافتن راه خروج تأکید کرده است. این موضع را می‌توان نشانه تغییر محاسبه نظامی واشنگتن دانست، چرا که جنگی که قرار بود کوتاه‌باشد، اکنون به مسئله

مدیریت منابع تبدیل شده‌است. اگر آمریکابرای فشار بیشتر به ایران مهمات بیشتری مصرف کند، فاصله‌میان نیاز عملیاتی و ظرفیت جایگزینی افزایش خواهد یافت؛ اگر هم از شدت حملات بکاهد، ممکن است اهداف اعلام‌شده واشنگتن محقق نشود.

در چنین شرایطی، قدرت هوایی نیز با محدودیت روبه‌ر می‌شود. بمب‌های هدایت‌شونده فراوان‌اند، اما بخشی از آنها باید در فاصله نزدیک‌تری از هدف رها شوند و خطر هواپیماها را افزایش می‌دهند. از این رو، کاهش موشک‌های دوربرد و رهگیرهای پیشرفته فقط تعداد ابزارهای موجود را کم نمی‌کند؛ بلکه نوع عملیات قابل اجرا را نیز تغییر می‌دهد.

محاسبه مسکوکین و اثر آن بر اوکراین

کاهش ذخایر تسلیحاتی آمریکا برای روسیه و چین، بیش از آنکه صرفاً یک خبر نظامی باشد، یک متغیر راهبردی است. تام کاراکو هشدار داده که فرسایش مهمات می‌تواند بر محاسبات مسکوکین اثر بگذارد، زیرا بازسازی این ذخایر سال‌ها زمان می‌برد. معنای این وضعیت آن است که قیای آمریکا ممکن است پنجره‌ای برای آزمودن محدودیت‌های واشنگتن مشاهده کنند؛ البته این الزاماً به‌معنای تصمیم‌فوری برای آغاز جنگ نیست. از اصلی در سطح محاسبه، ریسک، از زبانی تعهدات آمریکا و سنجش توان آن برای پاسخ‌همر زمان به چند بحران ظاهری می‌شود.

برای روسیه، این تحول مستقیماً با جنگ اوکراین پیوند دارد. اوکراین به‌موشک‌های پدافند هوایی نیاز فوری دارد اما هم‌زمان آمریکا ودیگر متحدان غربی با کاهش ذخایر مواجه‌اند. اگر تولید روسیه با سرعتی بیشتر از توان تولید پدافند غرب افزایش یابد، شکاف میان حمله و دفاع می‌تواند گسترده‌تر شود. کاهش حمایت تسلیحاتی، حتی اگر ناشی از اولویت‌های موقت جنگ ایران باشد، بر توان اوکراین برای مقابله با حملات موشکی و وسیه‌اتر می‌گذارد. از منظر مسکوک، بنابر این فرسایش ذخایر غربی می‌تواند هر زینه‌ادامه جنگ را کاهش و فضای مانور نظامی را افزایش دهد.

چنین نیز از این وضعیت می‌تواند برای ارزیابی ظرفیت آمریکا در شرق آسیا استفاده کند. اگر واشنگتن مجبور شود بخش مهمی از سامانه‌های دفاعی و مهمات خود را به خاورمیانه اختصاص دهد، این پرسش برای پکن مطرح می‌شود که آمریکا در صورت وقوع بحران هم‌زمان در آسیا تا چه اندازه توان پاسخ سریع دارد. با این حال، نباید این مسئله را به‌معنای کاهش قطعی بازاردنگی آمریکا یا نزدیک شدن حتمی به یک درگیری جدید تفسیر کرد. آمریکا هنوز توان صنعتی و مالی عظیمی در دوبرنامه‌های افزایش تولید، قرار دادهای جدید و همکاری‌های صنعتی می‌تواند بخشی از شکاف را جبران کند اما مسئله تعیین‌کننده، زمان است.

در نهایت، جنگ ایران برای واشنگتن فقط در میدان نبرد سنجیده‌ نمی‌شود؛ بلکه در کارخانه‌ها، انبارها و شبکه‌متحدان نیز ادامه دارد. اگر سرعت مصرف مهمات از سرعت تولید بیشتر بماند، آمریکا ناچار خواهد شد میان اهداف منطقه‌ای خود و اولویت‌گذاری کند. همین اجبار می‌تواند بر رفتار آن در برابر ایران، میزان حمایت از اوکراین و نحوه مواجهه با روسیه و چین اثر بگذارد. از این منظر، نگرانی پنتاگون نه صرفاً درباره خالی شدن چند انبار، بلکه درباره فرسایش ظرفیت پاسخ‌گویی هم‌زمان به بحران‌هاست؛ ظرفیتی که یکی از پایه‌های اصلی قدرت جهانی آمریکا محسوب می‌شود.

جنگ علیه ایران، برای ایالات

متحده فقط یک عملیات نظامی

پرهزینه نیست؛ بلکه به از مونی برای ظرفیت صنعتی، ذخایر تسلیحاتی و اعتبار بازدارندگی واشنگتن تبدیل شده‌است. از ابتدای درگیری، این پرسش مطرح بود که آمریکا در صورت طولانی شدن جنگ چگونه می‌تواند هزینه‌های مالی و نظامی آن را تحمل کند؟ اکنون شواهد ارائه‌شده از سوی رسانه‌ها و مراکز مطالعاتی آمریکانشان می‌دهد مسئله از سطح هزینه فراتر رفته و به نگرانی درباره فرسایش توان رزمی رسیده است. مصرف بیش از ۸۵۰ موشک کروز تاماهاوک، بیش از هزار رهگیر پاتریوت و تاد و بیش از ۱۳۰۰ موشک بالستیک تاکتیکی در نخستین ماه، تصویری از شدت مصرف مهمات ارائه می‌دهد. برآورد ها همچنین از کاهش ذخایر پاتریوت از حدود ۲۲۰۰ یا ۲۳۳۰ فرونده کمتر از ۸۵۰ فروند و کاهش ذخایر تاد از ۴۵۲ به کمتر از ۲۷۸ فروند حکایت دارد. اهمیت این ارقام فقط در تعداد موشک‌های مصرف‌شده نیست، بسیاری از این تسلیحات

پیشرفته به قطعات دقیق و زنجیرهای جهانی از تأمین‌کنندگان وابسته‌اند و جایگزینی آنها ممکن است سال‌ها زمان ببرد. به همین دلیل، یادداشت استیو فاینبرگ، معاون وزیر جنگ آمریکا، به صنایع دفاعی برای ارائه برنامه‌ای حداکثر ۲۱ روزه جهت افزایش سرعت تولید و تحویل، نشانه‌ای از نگرانی عمیق پنتاگون است. تأکید او بر اینکه چرخه‌های چندساله توسعه دیگر قابل قبول نیست، نشان می‌دهد مسئله صرفاً افزایش بودجه نیست؛ بلکه ظرفیت صنعتی موجود با سرعت مصرف در میدان نبرد همخوانی ندارد.

پنتاگون و نگرانی از شکاف تولید و مصرف

نگرانی اصلی پنتاگون از کاهش تولید تسلیحات در شرایط کنونی خاورمیانه، هم‌زمانی چند بحران است. آمریکا فقط در برابر ایران مسئول حفظ توان رزمی خود نیست؛ بلکه باید برای اروپا، شرق آسیا و اوکراین و متحدان عرب منطقه نیز ظرفیت بازدارندگی ایجاد کند. هنگامی که بخشی از کشتی‌ها، هواپیماها و سامانه‌های پدافندی از اروپا و آسیا به غرب آسیا منتقل می‌شوند، فشار بر نگهداری تجهیزات، آمادگی نیروها و توان دفاعی مناطق دیگر افزایش می‌یابد. بنابر این هر موشکی که در جنگ ایران مصرف می‌شود، فقط یک هزینه مستقیم نیست؛ بخشی از ذخیره‌ای است که می‌توانست برای یک بحران احتمالی دیگر مورد استفاده قرار گیرد.

این مسئله در مورد پاتریوت اهمیت بیشتری دارد. این سامانه برای مقابله با موشک‌های بالستیک و تهدیدهای هوایی یکی از ستون‌های دفاع آمریکا و متحدانش است. کاهش شدید رهگیرها، واشنگتن را ناچار می‌کند میان حفاظت از نیروها و پایگاه‌های خود، حمایت از اوکراین و حفظ تعهدات دفاعی در خلیج فارس اولویت‌بندی کند. گزارش هادرباره مصرف ۸۶صدی موشک‌های رهگیر یک-۳ عربستان در ۳۸ روز نخست نیز نشان می‌دهد فشار فقط متوجه امریکان نیست و شبکه‌متحدان آن نیز در حال فرسایش است. تأیید فروش ۵۲۵۰ رهگیر به کشور های عربی و قرار داد حداکثر ۵۸۶ میلیارد دلاری با کمپانی تسلیحات‌سازی لاکهیدمارتین برای تولید پاتریوت، پاسخی به همین شکاف است؛ اما افزایش ظرفیت تولید فوری نیست و نمی‌تواند به سرعت مصرف میدان نیز در اجبران کند.

محدود شدن گز نه‌های آمریکا

کاهش ذخایر، لزوماً به‌معنای ناتوانی فوری آمریکا در ادامه جنگ نیست. واشنگتن همچنان زرادخانه‌ای بزرگ و متنوع دارد و به گفته مقام‌های کاخ سفید، ظرفیت انجام عملیات نظامی گسترده را حفظ کرده است. اما مسئله اصلی، کاهش حاشیه امن و افزایش هزینه تصمیم‌گیری است. هر چه ذخایر رهگیرها و مهمات دقیق کمتر شود، اجرای حملات گسترده‌تر علیه ایران می‌تواند خطر پذیری نیروهای آمریکایی

جهان

رامین پرتو

جهان

جهان

جهان

جهان

جهان

جهان

جهان

جهان

جهان

جهان

جهان

جهان

جهان

جهان

جهان

جهان

جهان

جهان

جهان

جهان

جهان

جهان

جهان

جهان

جهان

جهان

جهان

جهان

جهان

جهان

جهان

جهان

جهان

جهان

جهان

جهان

جهان

جهان

جهان

جهان

جهان